

مقدمه

قدیمی‌ترین روابط میان ایرانیان و ملل اسلاو (اسلاف روس‌ها) را شاید بتوان در روابط دوران لشکرکشی داریوش اول در ۵۱۳ ق.م به سواحل دریای سیاه دانست. ولی روابط حقیقی و تاریخی بین دو دولت، بسیار قدیمی‌تر از این زمان است. (جمالزاده، ۱۳۷۲، ص ۱۹)

روابط تجاری و سیاسی طرفین، همپای روی کارآمدن روسیه به مرکزیت مسکو، به تدریج از نیمه‌ی دوم قرن پانزدهم میلادی توسعه یافت. فتح غازان (۱۵۵۲ م) و حاجی طرخان (۱۵۵۶) توسط ایوان مخوف، که مسیر ولگا - خزر را بین مسکو و ایران گشود، نخستین گام مهم در افزایش مبادلات تجاری بود. از آن زمان تا نیمه‌ی دوم قرن هفدهم میلادی، مسکو قطب بازرگانی تجاری غربی بود که طالب محصولات روسی (هم‌چون الوار، کتان، پوست و...) و کالاهای تجملی ایران (اتکین، ۱۳۸۲، ص ۵)، مانند: ابریشم گیلان و شیروان، پنبه و پارچه‌های زربافت ابریشمی کرمان، پارچه‌های اصفهان و مروارید و سنگ‌های قیمتی بودند. (تاج‌بخش، ۱۳۳۷، ص ۸)

در قرن شانزدهم میلادی کشورهای اروپایی (انگلستان، هلند، پرتغال و فرانسه) برای به دست آوردن بازارهای شرق و انحصار تجارت آسیا با یکدیگر رقابت می‌کردند. در این میان، پرتغالی‌ها پس از موفقیت در اکتشاف راه دریایی هند، در تمام اقیانوس هند و خلیج فارس پایگاه‌هایی تجاری احداث و تجارت شرق را منحصر به خود کردند و مانع رفت و آمد کشتی‌های دول دیگر در این مناطق می‌شدند. روس‌ها که ناظر استفاده‌های تجاری پرتغال بودند، درصدد استفاده از منابع تجاری ایران، به‌خصوص محصولات ابریشم شهرهای ساحلی دریاچه‌ی خزر برآمدند. روس‌ها در سال ۱۵۶۲ م در زمان ایوان مخوف، آنتونی جنکینسن، عضو کمپانی تجاری انگلیس در مسکو، را که از طرف ملکه الیزابت مأمور ایجاد روابط تجاری با دولت ایران بود، به نزد شاه تهماسب به دربار صفویه فرستادند؛ ولی نام‌برده بدون اخذ نتیجه ایران را ترک کرد. به‌ر حال روابط محدود تجاری میان طرفین ادامه یافت تا این‌که در دوران سلطنت شاه‌عباس دوم، ۸۰۰ نفر از تجار ارمنی و روسی به عنوان نماینده سیاسی به ایران آمدند ولی این هیأت نظری جز تجارت و فروش کالاهای خود نداشتند و برای معاف بودن از پرداخت حقوق گمرکی و... با لباس نماینده سیاسی وارد کشور شدند که دربار ایران پس از اطلاع از موضوع، فوراً آن‌ها را از

ایران و روسیه از صفویه تا قاجار

• سیدرضا حسینی



■ اسنادی از روابط ایران و روسیه از صفویه تا قاجاریه
 ■ ترجمه: رحیم مسلمانیان قبادبانی، بهروز مسلمانیان قبادبانی
 ■ به کوشش: دکتر حسین احمدی
 ■ تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷، ۱۰۰۰ نسخه،
 ۶۱۵ صفحه.



در قرن شانزدهم میلادی، کشورهای اروپایی
(انگلستان، هلند، پرتغال و فرانسه) برای به دست
آوردن بازارهای شرق و انحصار تجارت آسیا با
یکدیگر رقابت می‌کردند

ایران و روسیه

روس و ایران و مقامات سیاسی و نظامی روسیه با یکدیگر است. از آنجا که کمبود منابع ترجمه‌شده از روسی به فارسی در حوزه‌ی اسناد و تاریخ، چشمگیر است، پژوهشگران و محققان داخلی از نظر روس‌ها نسبت به ما آگاهی چندانی ندارند. از این روست که این کتاب ارزش مضاعف می‌یابد.

از مجموع اسناد موجود در کتاب، ۲۲ سند نخست مربوط به وقایع دو سال از حکومت شاه سلطان حسین، یعنی از تاریخ ۲۳ ژوئن ۱۷۲۰ تا ۸ اکتبر ۱۷۲۲ است. از این تعداد، سند یک تا هشت اختصاص به موضوعات تجاری طرفین دارد. دربار روس امورات تجاری را از طریق سیمون اوراموف، کنسول خود در دربار ایران و الکسی باسکاکوف، نایب در خان‌نشین شماخی، انجام می‌داد (سند ۳). با توجه به اسناد موجود، توجه خاص بازرگانان روسی بیشتر بر خرید ابریشم ایالات شمالی ایران، جهت تولید پارچه‌های ابریشم در کارخانه‌های پارچه‌بافی بوده است. ولی مقامات روس درصدد بوده‌اند که احتیاج ضروری خود مبنی بر خرید ابریشم را از مقامات ایرانی مخفی نگه‌دارند. چنانچه در نامه‌ی، پتر اول به اوراموف و باسکاکوف فرمان می‌دهد که: شما نزد خان‌ها و ایرانی‌ها درباری نیاز کارخانه به ابریشم خام هیچ حرفی نزنید که ایشان در خرید و صادرات مشکلاتی ایجاد نکنند و پیش ناظران ایرانی اعلام کنید که کالاهای مذکور برای احتیاجات دربار اعلی‌حضرت لازم است. (سند ۵)

از سند ۹، سیاست توسعه‌طلبی روس‌ها، به بهانه‌ی تعرض شورشیان شماخی به رهبری داوودبیگ و سورخانی به تجار روس مقیم شماخی - هم‌زمان با تجاوز محمود افغان - به خاک ایران آغاز می‌شود. و پتر اول در نامه‌ی به کنسول روسیه، اوراموف، خبر گسیل نیروی نظامی به مناطق ایران، جهت ریشه‌کن کردن آشوب‌گران را می‌دهد. (سند ۹) و از کنسول خود در ایران می‌خواهد که: به ملاقات شاه قبلی برود و اگر شاه جدید را انتخاب نکردند و شاه جدید یا حکومت بدون شاه برقرار نشده باشد و اگر هیچ شاهی وجود ندارد، هر کسی را پیدا نمود طبق اختیارات... پیشنهاد کند، ما برای جنگ صد ایرانی به شماخی نمی‌رویم؛ بلکه برای برانداختن آشوب‌گرانی می‌رویم که به ما صدمه زده‌اند. اگر آن‌ها در حالت ویرانی کشور خود احتیاج به کمک ما داشته باشند، ما آماده‌ی کمک هستیم.

اما روس‌ها در قبال این کمک از دربار ایران درخواست بزرگی دارند و آن اینکه «درعوض آن‌ها برای این کمک بعضی از ولایات اطراف

کشور خارج کرد و این موضوع باعث تیرگی روابط طرفین نیز گردید. با به قدرت رسیدن پترکبیر و سیاست اصلاحات و روند توسعه‌طلبی ارضی، در سال ۱۷۱۱ م نماینده‌ی جهت انعقاد قراردادهای تجاری با شاه سلطان حسین و جمع‌آوری اطلاعات درباره‌ی شهرهای ساحلی ایرانی دریاچه‌ی خزر، به دربار ایران گسیل شد. سفیر روس از شاه ایران تقاضا کرد که به تجار ارمنی دستور داده شود کاروان‌های تجاری خود را به جای مسیر تجاری از میر یا ترابوزان، از راه سن پترزبورگ به اروپا بفرستند که این درخواست مورد قبول دربار ایران واقع نشد. در سال ۱۷۱۵ م سفیر دیگری به نام آرتمی ولینسکی از طرف پترکبیر به دربار ایران فرستاده شد. سفیر روس هنگام عبور از خاک ایران، از اوضاع جغرافیایی و نظامی و موقعیت بنادر و قلاع و استحکامات و راه‌های عبور از ارتفاعات و موانع جابه‌جایی نیروهای نظامی، اطلاعاتی را جمع‌آوری کرد. (همان، صص ۱۱-۸)

سرانجام روس‌ها پس از سال‌ها تلاش، موفق شدند توسط ولینسکی در ۱۷۱۷ م قرارداد تجاری با ایران منعقد کنند. (اتکین، ص ۶) سند شماره‌ی یک اثر حاضر، گویای انعقاد قرارداد مزبور میان آرتمی ولینسکی با اعتمادالدوله، وزیر شاه سلطان حسین است. بدین ترتیب، کتاب «اسنادی از روابط ایران و روسیه از صفویه تا قاجاریه»، مطالب ارزشمند خود را از این تاریخ آغاز می‌کند.

درباره‌ی کتاب

کتاب حاوی ۱۲۱ سند از روابط ایران و روسیه از ۲۳ ژوئن ۱۷۲۰ تا ۱۳ ژوئیه ۱۸۲۰ است. این اسناد از دوران سلطنت شاه سلطان حسین صفوی تا مدت زمانی بعد از انعقاد ننگین قرارداد گلستان، در زمان فتحعلی شاه قاجار را دربرمی‌گیرد.

این اسناد در آرشیو دولتی روسیه نگهداری می‌شده که توسط وزارت امور خارجه‌ی دولت مزبور به وزارت امور خارجه‌ی ایران تحویل گردیده است. همه‌ی این اسناد به زبان روسی هستند و توسط ده نفر از مترجمین کشور تاجیکستان ترجمه شده‌اند؛ ولی از آنجا که ترجمه به فارسی تاجیکی با فارسی ایران تفاوت بسیار دارد، مجدداً توسط دکتر حسین احمدی تغییرات گسترده‌ای برای روان‌سازی زبان آن صورت گرفته است.

مضمون اسناد حاوی مکاتبات سیاسی و تجاری میان دولت‌مردان

دریای خود (دریاچه‌ی خزر) را به ما واگذار کنند».

روس‌ها بیش از آنکه درصدد کمک به دربار ایران باشند، نگران دولت عثمانی بودند که مبادا از این هرج و مرج داخلی ایران استفاده کند و تمام ایران را تصرف کند؛ چنانچه در همین نامه به این موضوع اشاره شده که: «ترک‌ها می‌توانند تمام ایران را تصرف کنند که مورد قبول ما نیست... ما فقط املاک اطراف دریا را می‌گیریم؛ زیرا نمی‌توانیم ترک‌ها را به آن مناطق راه دهیم» (احمدی، صص ۳۸۹)

از مفاد سند ۱۳ مشخص می‌شود که پتر اول در ۳۱ اکتبر ۱۷۲۲ خیر اعزاز ارتش روس به گیلان را به سیمون آوراموف سفیر خود در ایران می‌دهد و به او می‌نویسد: به شاهزاده (تهماسب دوم) و وزیران اعلام کنید، برای محافظت ساکنان رشت از دست شورشیان لزگی و... تصمیم گرفته‌ایم تعدادی از ارتش منظم خود را به آنجا بفرستیم. (همان، ص ۴۳)

سند ۲۲ حاکی از ملاقات سیمون آوراموف در ۲۱ اوت ۱۷۲۲ با شاهزاده تهماسب دوم در شهر قزوین و وعده‌ی کمک دولت روسیه به او (همان، ص ۸۰) «جهت قلع و قمع راهزنان و استقرار حق وراثت وی بر تخت سلطنت» (عبداله‌یف، ص ۳۴) و در عوض این کمک‌ها واگذاری استان‌های اطراف دریاچه‌ی خزر را، دارد. (احمدی، ص ۸۰)

از سند ۲۳ چنین استنباط می‌شود که تهماسب دوم به عنوان شاه ایران بر تخت پادشاهی جلوس کرد و برای انعقاد عهدنامه با دولت روس، اسماعیل بیگ را با حکم سفیر به دربار تزار روس مأمور کرد. (همان، ص ۹۰) بدین ترتیب اسناد تا شماره‌ی ۳۰ مربوط به دوران حکومت شاه تهماسب و پترکبیر هستند، تا این که در سند ۳۰، ملکه **آنا ایوانوونا** خیر فوت پترکبیر و به قدرت رسیدن خود در روسیه را به شاه ایران گزارش می‌دهد. (همان، صص ۱۲۶-۹۰)

پس از مرگ پترکبیر، دولت روسیه از اعمال سیاست فعال در قفقاز، امتناع ورزید. دشواری‌های اقتصادی ناشی از اصلاحات پتر اول، مخارج هنگفت نگهداری نیروهای نظامی در ایالات حوضه‌ی خزر و تلفات سنگین در اثر نامساعد بودن شرایط اقلیمی و بیماری‌های مسری و نیز اتحاد ضدروسی کشورهای انگلستان، فرانسه و سوئد و عثمانی، توجه روس‌ها را به سرحدات غربی معطوف کرد و می‌کوشیدند برعلیه عثمانی با ایران متحد شوند (عبداله‌یف، ص ۳۵) نظر به موارد مزبور، ملکه **آنا ایوانوونا** در نامه‌ای به ژنرال **لواشوف**، دستور تخلیه ایران از نیروهای روس را صادر می‌کند. (سند ۳۱) و طی سند ۳۳، نمایندگان دو دولت ایران و روس در ۲۱ ژانویه ۱۷۳۲ قرارداد رشت را منعقد کردند (احمدی، ص ۱۳۶) برطبق این قرارداد، که در شهر رشت منعقد شد، روسیه نواحی حوضه‌ی دریاچه‌ی خزر را در جنوب **کورا** به ایران بازگرداند و دولت ایران تعهد کرد که نگذارد این نواحی به اشغال عثمانی‌ها درآید. (عبداله‌یف، ص ۳۶)

خواننده تا سند ۳۸ با اوضاع و احوال سیاسی و رقابت روسیه و عثمانی آشنا می‌شود. در همین سند، از تاج‌گذاری **شاه عباس سوم**، حمایت وی از **نادرعلی خان افشار** و انتصاب وی به وزارت کل ایران و فرماندهی استان خراسان، سخن می‌رود. تا سند ۴۷ نامه‌های مبادله شده مربوط

به دوران وزارت و فرماندهی نادر با موضوعات بازگرداندن مابقی ایالات ایران، برکناری تهماسب، ادامه‌ی روند دوستی دو کشور، ورود سپاه ایران به شماخی به فرماندهی نادر و سرانجام انعقاد قرارداد گنجه در ۱۰ مارس ۱۷۳۵ است. به موجب این قرارداد، روسیه می‌بایست **دریند** و **بادکوبه** را با زمین‌ها و روستاهای آن تخلیه می‌کرد و **داغستان** و مناطق دیگر تا **شمخال** و **اوسمی** مجدداً تحت حاکمیت کشور ایران قرار می‌گرفت (سند ۴۴). (احمدی، صص ۲۲۱-۱۶۴)

اسناد از شماره ۴۸ تا ۶۸ مربوط به دوران حکومت نادرشاه است. البته در سند ۵۹ ملکه جدید روسیه، **الیزابت پترونا** تاج‌گذاری خود را به نادرشاه اعلام می‌کند. اسناد این قسمت، شامل تبریک مقامات روس به مناسبت تاج‌گذاری نادرشاه (اسناد ۴۸، ۵۰)، درخواست نادرشاه از ملکه روسیه برای دریافت کشتی نظامی، صدنفر ناوی و دویست نفر نجار، موضوع فرار شاه تهماسب به طرف روسیه، تبریک مقامات روس به نادرشاه جهت فتح مشهد و قندهار و هندوستان، پیشنهاد نادرشاه به روسیه برای میانجی‌گری بین آن‌ها و عثمانی، تبادل سفرا میان دو دولت، برقراری صلح روسیه با سوئد و ورود نادرشاه به داغستان است. این اسناد فاصله زمانی ۱۷۳۶ م تا ۱۷۴۸ م را در برمی‌گیرد. در سند ۶۹ **میرزا محمدقاضی ناصر**، سفیر سابق ایران در روسیه، خبر فوت نادرشاه و تاج‌گذاری شاه جدید افشار را به صدراعظم روس را ابلاغ می‌کند. (همان، ص ۳۳۳)

پس از درگذشت نادرشاه در سال ۱۷۴۷ م، سرزمین وسیع ایران به یک سلسله نواحی مستقل تقسیم شد و هرکسی در قسمتی علم استقلال برافراشت. به‌گونه‌ای که نمایندگان تزار روس، مستقر در رشت طی نامه‌ای در تاریخ ۲۸ مارس ۱۷۴۸ از مقامات ارشد دولت روسیه خواستار ارسال دستورالعمل‌های جدید، برای چگونگی روابط با شاهان متغیر ایران شدند (سند ۷۱). (همان، ص ۳۴۸)

جانشینان نادرشاه و سپس **کریم‌خان زند** و... مدت پنجاه سال بدون داشتن تسلط کامل بر تمام نواحی ایران، حکمرانی کردند تا **آقامحمدخان قاجار** بر سر کار آمد و به این نابسامانی‌ها پایان داد و مرزهای کشور را به تثبیت رسانید. (قاضی‌ها، ۱۳۸۰، ص ۱۱) بدین ترتیب، خواننده‌ی کتاب از سند ۶۹ تا ۸۶ بیشتر با اسنادی با موضوعات اوضاع داخلی ایران بعد از فوت نادر، نامه‌های مبادله‌شده میان دربار روس با سفرا و نمایندگان تجاری خود در ایران، صورت مذاکرات با **حاجی جمال فومنی** در رشت، مقررات و چگونگی روند تجارت بازرگانان روس در ایران، مهاجرت ایرانیان به روسیه، بررسی اوضاع خانان شمال ایران **هم‌چون ایروان، گرجستان** و چگونگی ارتباط آن‌ها با **کریم‌خان زند** و لشکرکشی وی به گرجستان، آشنا می‌شود. (احمدی، صص ۴۵۵، ۳۳۳)

در سند ۸۶، طی نامه‌ی **کاترین** به اهالی شمال ایران چنین آمده که: **آقامحمدخان** غارت‌گر به علت جاه‌طلبی و بی‌بندوباری، به امپراتور ما توهین کرده و به گرجستان حمله کرده با ظلم و ستم معابد خدا را به غارت برده و پایتخت آن دیار و... را ویران و بسیاری از مسیحیان را به اسارت و بردگی برده است. شاه **کارتلی** و **کاختی** از چند سال پیش به تحت‌الحمایگی ما درآمده است... بعد از آن او به طرف دریاچه‌ی



کتاب حاوی ۱۲۱ سند از روابط ایران و روسیه از ۲۳ ژوئن ۱۷۲۰ تا ۱۳ ژوئیه ۱۸۲۰ است. این اسناد از دوران سلطنت شاهسلطان حسین صفوی تا مدت زمانی بعد از انعقاد قرارداد گلستان، در زمان فتحعلی شاه قاجار را دربرمی گیرد

ایران و روسیه

تاریخی محسوب کرد. اما به نظر نویسنده‌ی این سطور، دو ایراد بر این اثر وارد است که امیدواریم ناشر محترم با برطرف نمودن آن در چاپ‌های بعدی غنای بیشتری بر این اثر بیفزاید.

خواننده محترم با نگاهی بر صفحه‌ی عنوان و سرشناسی کتاب متوجه می‌شود اثر حاضر به کوشش حسین احمدی به چاپ رسیده که متأسفانه انتشارات وزارت امور خارجه به عنوان ناشر کتاب، از ذکر «به کوشش» بر روی جلد کوتاهی کرده است.

ایراد دیگر اینکه، کتاب فاقد یادداشت ناشر و مقدمه‌ی آقای دکتر حسین احمدی است، سؤال اینجاست که آیا اثری با این حجم و ارزش در حیطه‌ی کارهای اسنادی آن هم در سطح روابط دیپلماتیک بین دو کشور همسایه‌ی ایران و روس نیازمند مقدمه نبوده است؟

شایسته بود که در چاپ کتاب جهت آشنایی خواننده و آگاهی بیشتر مخاطب با ذکر مقدمه‌ای، ملاک اولویت انتخاب اسناد مشخص می‌شد. این که آیا انتخاب اسناد بر اساس ضرورت و نیاز پژوهشگران بوده و تقدم و تأخر تاریخی اسناد بر چه مبنایی مرتب شده است. مزید بر این‌ها، مطاوی اسناد نشان می‌دهد که غیر از پادشاه، صاحب‌منصبان دولتی در سطح وزراء و سفرا نیز مکاتباتی داشته‌اند؛ این نکته مبین این است که اسنادی مربوطه به تاریخ اجتماعی در این اسناد باید وجود داشته باشد؛ ولی در این اثر نامی از آن‌ها نیامده است. هم‌چنین، می‌بایست تاریخچه‌ای از روابط دو کشور و اهمیت ایران برای روسیه و بالعکس در دوره‌ی مورد نظر به رشته‌ی تحریر درمی‌آمد.

منابع

- ۱- اسنادی از روابط ایران و روسیه از صفویه تا قاجاریه، ترجمه رحیم مسلمانیان قبادیانی و بهروز مسلمانیان قبادیانی، به کوشش حسین احمدی، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.
- ۲- اتکین، موریل؛ روابط ایران و روس (۱۸۲۸-۱۷۸۰ م)، ترجمه محسن خادم، تهران: نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
- ۳- تاجبخش، احمد؛ روابط ایران و روسیه در نیمه اول قرن نوزدهم (۱۸۵۰-۱۸۰۰)، تبریز: انتشارات کتابفروشی دنیا، ۱۳۳۷.
- ۴- جمالزاده، محمدعلی؛ تاریخ روابط روس و ایران، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۲.
- ۵- عبدالله‌یف، فتح‌الله؛ مناسبات روسیه و ایران و سیاست انگلستان در ایران (در آغاز قرن نوزدهم)، ترجمه غلامحسین متین، تهران: آفتاب، ۱۳۳۶.
- ۶- قاضی‌ها، فاطمه؛ اسناد روابط ایران و روسیه در دوران فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.

خزر رفته و به غارت‌گری و نابودی خان‌هایی که به ما تمایل داشتند [پرداخته] و برای تجارت ما همیشه نیک‌خواهی خود را ثابت می‌کردند، دست زده است. (همان، ص ۴۵۶)

ضمن این که بنده در مقام دفاع از عملکرد آقامحمدخان راجع به اعمال انجام داده در گرجستان نمی‌باشم و درصدد تبرئه‌ی ایشان نیز نیستم، اما باید به این نکته اشاره کنم که آقامحمدخان هرگز توهینی به امپراتوری روسیه نکرده است. گرجستان از دیرباز جزو سرزمین ایران بود و بعد از فوت نادرشاه افشار و در دوران فترت بعد از او، خان‌نشین‌های آن مناطق علم استقلال برافراشتند و گرایشاتی به روسیه از خود بنا به دلائلی نشان دادند و این دلالت بر جدایی این مناطق از ایران نیست. آقامحمدخان برای جلوگیری از نفوذ روس و سروسامان دادن به اوضاع خان‌نشین‌ها و سرکوب خانات یاغی، به آن دیار نیرو گسیل کرد که این موضوع در امر حکومت‌داری، طبیعی و قابل دفاع است.

محتوای اسناد ۸۶ (تنظیم شده مورخ مارس ۱۷۹۶) تا ۱۲۱ (صادرده به تاریخ ۱۳ ژوئیه ۱۸۲۰) مربوط به دوران سلطنت قاجاریه یعنی آقامحمدخان و فتحعلی شاه است. ولی از مجموع این اسناد، فقط سند ۸۶ به دوران سلطنت آقامحمدخان می‌پردازد و مابقی اسناد به دوران حکومت فتحعلی شاه پرداخته است. اسناد یادشده در چند موضوع تنظیم شده که اهم آن عبارتند از: نحوه‌ی برخورد سبسیانوف با فتحعلی شاه (سند ۸۷)، پیش‌نویس فرمان الکساندر اول به ژنرال گدویچ در رابطه با مذاکرات صلح با ایران و تعیین رودخانه‌های کورا و ارس به عنوان خط مرزی میان طرفین (سند ۸۶)، درخواست گدویچ از عباس میرزا مبنی بر واگذاری ولایت قفقاز به روسیه (سند ۹۱)، نامه‌های مبادله‌شده میان فرماندهی و مقامات روس با عباس میرزا در رابطه با صلح میان طرفین (اسناد ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴)، میانجی‌گری انگلستان در صلح روسیه و ایران (اسناد ۱۰۲، ۱۰۵): تمایل فتحعلی شاه به جنگ با روس‌ها و عدم تمایل عباس میرزا به جنگ (سند ۹۶)، گزارش مفصلی از روند صلح با ایران (سند ۱۰۵، ۱۰۶)، گزارش عهدنامه‌ی گلستان (اسناد ۱۰۸، ۱۰۹) (احمدی، صص ۶۰۶-۴۵۵)

سخن پایانی

نظر به اسنادی بودن کتاب، می‌توان آن را در زمره‌ی آثار ارزشمند